

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از بین رفتن حرمت‌ها

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی

پیرامون وقایع پس از شهادت رسول خدا ﷺ

ترجمه / علی خنیفرزاده

به اهتمام / مؤسسه فرهنگی رسول اکرم ﷺ

WWW.SHIRAZI.IR

info@s-alshorazi.com

نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار / دی ماه ۱۳۸۵

ذی الحجة الحرام ۱۴۲۷ هـ. ق.

شمارگان / ۱۰۰۰۰

چاپ / نینوا

قیمت / ۲۵۰ تومان

ناشر / انتشارات سلسله

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کدپستی / ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳

صندوق پستی / ۳۷۱۶۵-۱۴۸

تلفن / ۷۷۳۰۷۱۷

فاکس / ۷۷۴۹۱۰۸

مدیر فروش / ۰۹۱۲۱۵۳۹۳۶۰

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E.Mail: Selseleh_pub@Hotmail.com

ISBN: 964-8788-47-2

از بین رفتن حرمت‌ها

حضرت آیت الله العظمی

سید صادق حسینی شیرازی «دام‌الله»

فهرست

شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ	۷
از بین رفتن حرمت‌ها	۹
تأمل در گفتار حضرت زهرا	۱۱
جایگاه اجتماعی پیغمبر	۱۳
از بین رفتن حرمت رسول خدا	۱۶
سیاه‌ترین روز تاریخ	۱۸
حرمت شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا	۲۲
سفارش به بانوان	۲۴
سفارش به آقایان	۲۷
جوانان	۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ

در ۲۸ صفر سال یازدهم قمری فاجعه بزرگ شهادت پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ واقع شد.^(۱) البته بنابر قولی این روز با شهادت جانگداز سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام نیز مصادف است.

مصیبت شهادت پیغمبر اسلام مصیبت بسیار بزرگی است؛ زیرا مصیبت درگذشت هر کس به اندازه شخصیت و مقام اوست. در میان

1. این گفتار در ۲۸ صفر ۱۴۲۷ ق در اجتماع سوگواران مناطق گوناگونی از کشور

ایراد شد.

۸..... شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ

تمام آفریده‌های گذشته و آینده هیچ شخصیتی مانند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیست و هیچ کس به مقام بی‌همتای ایشان نمی‌رسد.

همان‌طور که ایشان گوهر یکدانه و بی‌همتای آفرینش است، فاجعه درگذشت ایشان نیز همانند شخصیت ایشان بی‌نظیر و استثنایی است.

تنها پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام وجود مبارک رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به درستی می‌شناسند. ما هر چند بکوشیم و مطالعه کنیم چندان به شناخت حقیقت آن جناب راه نمی‌بریم و هریک به قدر درک و معلوماتمان می‌توانیم از شخصیت ایشان برداشت کنیم. از همین رو بزرگی فاجعه شهادت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را فقط پیشوایان ما درک می‌کنند و فهم و درک ما از عظمت این فاجعه اندک و ناتوان است.

تمام تصورات ما نسبت به عظمت این واقعه و حقیقت آن پنداری بیش نیست.

بزرگی چنین فاجعه‌ای را آقا امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، حضرت بقیة الله الاعظم و دیگر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام چنانکه باید و شاید

از بین رفتن حرمت‌ها ۹
درک می‌کنند. برای نمونه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در خطبه‌ای که چند روز پس از شهادت پدر بزرگوارشان ایراد کردند، درباره این فاجعه بی‌نظیر جمله‌ای فرمودند که شایان دقت و تأمل بسیار است؛ زیرا ایشان بهتر از هرکسی عمق این فاجعه را درک می‌کنند و از حقیقت آن آگاهند. ایشان ضمن خطبه می‌فرمایند:

**وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ مَا تَبَيَّنَ ... فَتَلَكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى
وَالْمَصِيبَةُ الْعَظْمَى؛^(۱)** هنگام درگذشت آن حضرت،
حرمت از میان رفت و به خدا قسم مصیبت بزرگ
و فاجعه جبران‌ناپذیر همین است.

از بین رفتن حرمت‌ها

کسی که با ادبیات نسبتاً آشنا باشد و در این سخن حضرت تأمل کند درمی‌یابد که این کلام نغز ایشان ژرفای بسیار دارد. مضمون فرمایش حضرت که هیچ‌کس بهتر از ایشان حقیقت این واقعه را

1. بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۶ (فصل نورد فيه خطبة خطبتها...).

۱۰..... از بین رفتن حرمت‌ها
درک نمی‌کند این است که فاجعه بزرگ، شهادت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست. بلکه فاجعه بزرگ هتک حرمت پیغمبر خدا می‌باشد.
ای کاش حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌فرمودند هتک حرمت شد،
اما ایشان تعبیر هتک حرمت را به کار نبرده و فرموده‌اند:
وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ؛ یعنی حرمت یکسره زائل شد و به کلی
از میان رفت.

روشن است که میان تعابیری چون هتک حرمت
و حرمت‌شکنی با از میان رفتن حرمت تفاوت وجود دارد
و تعبیر دوم بدین معناست که هیچ حرمتی برجا نماند.
آن حضرت فرموده‌اند: «وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ بَعْدَ مَوْتِهِ»، یا
«أُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ لِمَوْتِهِ» بلکه از تعبیر «عند موته» استفاده
کرده‌اند و ظاهر عبارت نشان می‌دهد که «اندکی پیش از»
شهادت حضرت حرمت ایشان از میان رفت.

از سوی دیگر به جای «أُزِيلَتِ حَرَمَتِهِ» تعبیر «أُزِيلَتِ
الْحَرَمَةُ» به کار رفته است و وجود این الف و لام بر سر حرمت
که ظاهرش الف و لام جنس است بدین معناست که همه

از بین رفتن حرمت‌ها ۱۱

حرمت‌ها با شهادت آن جناب از میان رفت؛ یعنی نه فقط حرمت آن حضرت، بلکه حرمت خدای متعال، خود حضرت زهرا، حضرت امیرالمؤمنین، تمام پیامبران، نماز، روزه، بهشت، قیامت، عرش، کرسی و همه چیزهای محترم از میان رفت. مسلماً چنین چیزی از مصیبت شهادت رسول خدا ﷺ به مراتب دشوارتر است و از همین رو حضرت زهرا علیها السلام سوگند یاد می‌کنند که به خدا قسم مصیبت بزرگ، شهادت رسول خدا نیست. بلکه مصیبت کبری و فاجعه عظمی از بین رفتن همه این حرمت‌هاست.

تأمل در گفتار حضرت زهرا

جا دارد در این نکته اندیشه کنیم که چرا حضرت چنین چیزی فرموده‌اند.

در آن روزگار مردم نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، در سوگ درگذشت رسول خدا ﷺ چشمان‌شان اشکبار بود و چه بسا به شکلی حزن‌انگیز بر سر و سینه می‌زدند و... با این اوصاف حضرت زهرا که عصمت کبری الهی است چرا چنین

۱۲..... تأمل در گفتار حضرت زهرا

فرمودند و فاجعه بزرگ را نه شهادت رسول خدا ﷺ، بلکه حرمت‌شکنی‌هایی توصیف کردند که در آن هنگام رخ داد. آن حضرت از این سخن چه معنایی را اراده فرمودند؟

مصیبت شهادت رسول خدا ﷺ به اندازه جایگاه والایشان بی‌نظیر و بزرگ و جبران‌ناپذیر است، اما حضرت زهرا علیها السلام شکستن حرمت‌ها را مصیبتی بزرگ‌تر و گران‌تر از مصیبت شهادت آن حضرت می‌داند. حضرت زهرا علیها السلام در آن هنگام این مطلب را به تفصیل بازنگفتند و آن را سر بسته نهادند تا آیندگان درباره آن اندیشه کنند. در آن روزگار و در بسیاری از روزگاران نمی‌شد این موضوع را مطرح کرد. حضرت زهرا علیها السلام نیز نمی‌توانستند این مطلب را به تفصیل بشکافند. اما در دنیای امروز می‌توان آن حقایق را بازگفت. مطلب مورد اشاره در صحاح سته، تفسیر فخر رازی و بسیاری از نگاشته‌های تفسیری و تاریخی وجود دارد و مراجعه به کتاب‌های عامه و خاصه کمک بسیاری به فهم این مطلب می‌کند. در دنیای امروز فضای ایجاد شده، مردم جویای سخنان نو و صحیح‌اند و می‌توان حقایق را بازگفت.

جایگاه اجتماعی پیغمبر

رسول خدا ﷺ پیش از ماجرای اسلام و مبعوث شدن به رسالت، تنها کسی در شبه جزیره بودند که دوست و دشمن به صداقت، درستی، و امانت‌داری ایشان گواهی می‌دادند تا جایی که ایشان را «الصادق الامین»^(۱) لقب داده بودند. پس از ظهور اسلام نیز آن جناب در میان مسلمانان البته به استثنای عده‌ای محدود فوق‌العاده محترم بودند و از جایگاه والایی برخوردار بودند. ایشان به قدری در میان مردم مورد احترام بودند که وقتی در مناسک حج سر مبارک خود را می‌تراشیدند، مردم دور ایشان حلقه می‌زدند و موهای ایشان را برای تبرک می‌بردند^(۲) و در این‌کار از همدیگر پیشی می‌گرفتند. آنان چنان به ایشان

1. بحار الانوار، ج ۱۵، باب ۴، ص ۳۶۹، ح ۱۹۹.

2 همان.

عقیده و علاقه داشتند که وقتی آن جناب وضو می‌ساختند، برای تبرک جستن به قطرات باقیمانده از وضوی ایشان رقابت می‌کردند و آن‌را به خانواده‌های خود و بیماران برای استشفای می‌دادند. درباره آن حضرت آورده‌اند که:

إذا أمرهم ابتدروا أمره وإذا توضعوا كادوا يقتتلون علي

وضوئه وإذا تكلموا خفصوا أصواتهم عنده وما يحدون

إليه النظر تعظيماً له؛^(۱) وقتی آنان را به‌کاری می‌خواند،

در انجام دادن آن بر همدیگر سبقت می‌گرفتند و آنگاه که

وضو می‌ساخت برای تبرک جستن به باقیمانده وضوی او

چنان از هم پیشی می‌گرفتند که نزدیک بود همدیگر را

بکشند و هرگاه در حضور او سخن می‌گفتند، آهسته سخن

می‌گفتند و به احترام او هیچ‌گاه خیره خیره بدو

نمی‌نگریستند.

1. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۲۱.

از بین رفتن حرمت‌ها ۱۵
حتی کسانی که بارها چنین کرده بودند، هر بار آن حضرت مشغول وضوگرفتن می‌شدند، همچنان برای گرفتن بقایای وضو آن حضرت از دیگران پیشی می‌گرفتند و برای چندمین بار این کار را انجام می‌دادند. این مطلب نشان از جایگاه بی‌نظیر آن حضرت در دل و جان مردم دارد.

در اثبات جایگاه اجتماعی رسول خدا ﷺ هیچ چیز بهتر از زبان گویای خدا، حضرت امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام نیست؛ زیرا هیچکس بهتر از ایشان پیغمبر را نمی‌شناسد.
در روایت آمده است که رسول خدا ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

يا علي ما عَرَفَ اللهُ إلا أنا وأنت ولا عرفني إلا الله وأنت
ولا عَرَفَكَ إلا الله وأنا؛^(۱) یا علی، هیچکس جز من و تو
خدا را نشناخت و هیچکس جز خدا و تو مرا نشناخت
و جز خدا و من کسی تو را نشناخت.

1. تأویل الایات الظاهره، ص ۱۴۵.

۱۶ از بین رفتن حرمت رسول خدا
هر چند حضرت امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام از آدم و نوح و ابراهیم و عیسی و موسی و دیگر پیامبران برتر بودند، ولی هنگامی که از حضرت سؤال می‌شود آیا شما پیامبر هستید می‌فرماید: **وإنا عبد من عبید محمد؛**^(۱) وای بر تو من بنده‌ای از بندگان محمدم.
در حقیقت حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام که پیغمبر شناسند و خود از همه پیغمبران برترند، در معرفی حضرت ختمی مرتبت می‌گویند که تنها یکی از مریدان و پیروان آن جناب می‌باشد و این نشان از مقام والای حضرت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد.

از بین رفتن حرمت رسول خدا

اما این حرمت والای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش از شهادت ایشان هتک شد و شکست. اما کاش فقط هتک می‌شد و می‌شکست؛ بلکه یکسره پایمال شد و از میان رفت. این اتفاق زمانی افتاد که عده‌ای گفتند: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ؛ این مرد [العیاذ بالله] هذیان

1. کافی، ج ۱، ص ۸۹، ح ۵.

از بین رفتن حرمت‌ها ۱۷
می‌گوید...»، «غلبه الوجع؛ درد بر او چیره شده است» (کنایه از این‌که
هوشیاری خود را از دست داده و نمی‌فهمد چه می‌گوید).

این ماجرا در کتاب‌های مهم اهل سنت از جمله صحاح
آمده و به‌رغم تفاوت در نقل جزئیات، اصل آن متواتر است.^(۱)

۱. این ماجرا در مسند احمد بن حنبل چنین آمده است: عن ابن عباس قال لما
حضرت رسول الله الوفاة قال: هَلُمَّ أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدَهُ، وَفِي الْبَيْتِ
رِجَالٌ فِيهِمْ عَمْرِبُ الْخَطَّابِ. فَقَالَ عُمَرُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ؟ قَدْ غَلَبَهُ الْوَجَعُ وَعِنْدَكُمْ
الْقُرْآنُ، حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ. قَالَ فَاخْتَلَفَ أَهْلُ الْبَيْتِ فَاخْتَصَمُوا فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ:
يَكْتُبْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ؟ أَوْ قَالَ: قَرَّبُوا يَكْتُبْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ؟. قَالَ قَوْمُوا عَنَى.
فَكَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ يَقُولُ الرِّزِيَّةَ كُلَّ الرِّزِيَّةِ مَا حَالَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ وَبَيْنَ أَنْ يَكْتُبَ
لَهُمْ ذَلِكَ الْكِتَابَ مِنْ اخْتِلَافِهِمْ وَلَقَطُّهُمْ؛ از ابن عباس نقل شده است که گفت:
رسول خدا هنگام وفات فرمودند: بگذارید برایتان نوشته‌ای بنویسم که پس
از آن هرگز گمراه نشوید. در آن هنگام در خانه آن حضرت افرادی از جمله
عمر بن خطاب حضور داشتند. عمر [با شنیدن این فرمایش حضرت] گفت:
درد بر پیامبر چیره شده است. شما هم که قرآن دارید. کتاب خدا برایمان
کافی است. در این سال میان افرادی که در خانه حضرت بودند اختلاف ایجاد
شد. برخی گفتند: بگذارید رسول خدا این نوشته را بنویسد [و برخی با عمر
هم عقیده بودند. وقتی گفتگو و نزاعشان بالا گرفت] رسول خدا آنان را از

۱۸ سیاه‌ترین روز تاریخ
اگر بنا باشد شخصیت بی‌مانندی چون رسول گرامی اسلام ﷺ که
اشرف اولین و آخرین است چنین سرانجامی داشته باشد و این‌گونه
مورد اهانت قرار گیرد، تکلیف باقی مقدسات معلوم است.

سیاه‌ترین روز تاریخ

اگر امروزه غیر مسلمان روی کره زمین وجود دارد نتیجه آن
روز و آن‌کار است. وجود بت‌پرستان روی کره زمین که خود

نزد خود راند. ابن عباس می‌گفت: چه مصیبت بزرگ و جبران ناپذیری است
که همه‌م و نزاع آنان نگذاشت رسول خدا آن نوشته را بنویسد. در برخی از
روایات دیگر آمده است که در برابر پیشنهاد پیامبر؟ عده‌ای گفتند: «ما شأنه
یهجر؛ او را چه شده است که هذیان می‌گوید؟» یا «إِنَّ الرَّجُلَ لِيَهْجُرَ؛ این مرد
[یعنی نعوذ بالله رسول خدا؟] هذیان می‌گوید». این ماجرا در بسیاری از
منابع مهم اهل سنت آمده است؛ از جمله: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۲۵
«ذیل مسند عبدالله بن عباس»؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۷؛ ج ۵، ص ۱۳۸؛ ج ۸،
ص ۱۶۱؛ ابن حزم، الإحكام في أصول الأحكام، ج ۷، ص ۹۸۴؛ محمد بن سعد،
الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۴۴؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، باب مرض
النبي ووفاته و...؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۷۵.

از بین رفتن حرمت‌ها ۱۹
می‌گویند یک میلیارد نفر جمعیت دارند از نتایج همان روز است. اتفاقی که در روز آخر حیات رسول خدا ﷺ افتاد، به فرموده حضرت زهرا عليها السلام تمام حرمت‌ها را یکسره از میان برد و پایمال کرد. اگر حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین عليهما السلام، پس از رسول خدا عليه وآله نبودند به روشنی معلوم نبود که ما نیز امروزه چه وضعیتی داشتیم.

در روایت آمده است:

لو أن أمير المؤمنين ثبتت قدماه أقام كتاب الله كله والحق كله^(۱)

اگر جای پای امیرالمؤمنین علی عليه السلام [در مسئله خلافت]

محکم می‌شد قرآن حق را کاملاً عملی و برپا می‌فرمود.

بنابراین اگر پس از رسول خدا عليه وآله، بلافاصله امیرالمؤمنین عليه السلام بر سر کار می‌آمدند حتی یک غیرمسلمان بر جای نمی‌ماند و البته روشن است که آن جناب هیچ‌کس را به پذیرش اسلام مجبور نمی‌کنند. اگر چنین می‌شد حرمت خدا

1. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۶۳.

۲۰..... سیاه‌ترین روز تاریخ
و پیامبر و دین و... همچنان تا به امروز ادامه می‌یافت. به هر حال اگر امروز ظلم یا فسق روی زمین هست نتیجه تخطی از خواسته پیامبر عليه وآله و کنارزدن امیرالمؤمنین عليه السلام است. تمام جنایاتی که در گذشته و حال صورت گرفته است نتیجه همان روز، و پیامد همان اقدام شوم است. تیرباران کردن جنازه مطهر امام حسن مجتبی عليه السلام، تخریب بقیع، هدم بارگاه عسکریین عليهما السلام، و تمام جنایاتی که امروزه در عراق و جاهای دیگر در حق دین و دینداران انجام می‌شود همگی از نتایج نامیمون آن روز است. اگر آن روز و آن حرمت شکنی نبود نمی‌توانستند حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام را با سر برهنه به مسجد بیاورند، حضرت زهرا عليها السلام را به شهادت برسانند، و هزاران حرمت دیگر را زیر پا بگذارند. سرنخ تمام جنایات و حرمت شکنی‌ها همان است. اگر امروزه مشاهده می‌کنیم که دشمنان تیره‌دل قبه نورانی عسکریین عليهما السلام را هدف قرار می‌دهند یا زائران سیدالشهدا را در روز عاشورا به خاک و خون می‌کشند، سبب آن را باید در آخرین روز حیات

از بین رفتن حرمت‌ها ۲۱
پیامبر جستجو کرد. همین است که از نظر حضرت زهرا علیها السلام
هرچند شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ و جبران‌ناپذیر
است ولی از بین بردن حرمت‌ها را مصیبتی به مراتب بزرگتر
و کمرشکن‌تر می‌دانند.

آنچه امروزه از دین برجا مانده است نتیجه تلاش‌های
بابرکت سیزده معصوم دیگر است که دین را حفظ کردند. اگر
امام زمان و معصومان دیگر علیهم السلام نبودند، چه بسا امروز
هیچ‌کس روی زمین نماز صحیح یا حتی غلط نمی‌خواند،
درست همانند پیغمبران دیگر که با رفتن آنان، اسم آنان هم از
میان رفت و امروزه از شریعت آنان چیزی برجا نمانده است.
حدیث شریف:

**لولاك لما خلقت الأفلاك ولولا علي لما خلقتك ولولا
فاطمة لما خلقتكما؛** ای رسول خدا، اگر تو نبودی افلاک
را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر
فاطمه نبود شما دوتن را نمی‌آفریدم.

۲۲..... حرمت شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا
بدین معنا نیست که حضرت امیرالمؤمنین و حضرت
زهرا علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله برترند، بلکه این حدیث احتمالاً
بدین معناست که این ذوات مقدسه علت بقا و پایداری
و جاودانگی اسلامند و اگر این سلسله مبارک و زنجیره زرین
معصومین پس از رسول خدا تداوم نمی‌یافت، امروزه هیچ اثری
از دین برجا نمی‌ماند و دین اسلام به کلی از بین می‌رفت.

حرمت شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا

آنچه گفتیم مربوط به گذشته است. البته آثار گذشته هنوز
باقی است و هنوز دنباله روان باطل مشغول فعالیت و تبلیغات
منفی و خام کردن جوانان ساده‌دل و پراکندن امواج خشونت و ...
هستند. اما وظیفه کنونی ما چیست؟

چگونه نسبت به رسول خدا حرمت‌شناس و حق‌گزار باشیم؟
یکی از وظایف ما در قبال رسول خدا صلی الله علیه و آله گسترش
فرهنگ اهل بیت علیهم السلام از طریق ایجاد رسانه‌های گروهی،
ایستگاه‌های رادیویی، ماهواره‌ها و نشریات است. علاوه بر

از بین رفتن حرمت‌ها ۲۳

آن، با برگزاری مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و روضه‌های خانگی چراغ امام حسین علیه‌السلام را در خانه‌های خود روشن نگاه دارید. هرکس در حد خود و امکانات خود می‌تواند با این کار در نشر فرهنگ حسینی گام بردارد و با متبرک کردن خانه‌اش، خیر و برکت دنیا و آخرت را بخرد.

وظیفه دیگر ما این است که اخلاق خود را با اخلاق پیامبر هماهنگ کنیم. قرآن مجید آن حضرت را اسوه والگوی ما معرفی کرده است ^(۱) و همان‌طور که می‌دانیم آن حضرت مظهر صفات والا و کمالات اخلاقی‌اند. ^(۲) شایسته است که هرکدام از ما تصمیم بگیریم از همین لحظه آن حضرت را مقتدای خود قرار دهیم و با همگان و حتی کسانی که رفتار مناسبی با ما

۱. ولکم فی رسول الله اسوة حسنة؛ قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست (احزاب (۳۳)، آیه ۲۱).

۲. إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق؛ من برای کامل کردن مکارم اخلاقی برانگیخته شدم (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

۲۴..... سفارش به بانوان

ندارند با خوش اخلاقی برخورد کنیم؛ زیرا خود آن جناب چنین بودند و با دشمنان و کسانی که ایشان را آزار می‌دادند، مهربانانه رفتار می‌فرمودند و از خطاهایشان درمی‌گذشتند.

سفارش به بانوان

حضرت زهرا علیها‌السلام در وصیت‌شان به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند:

ولا خالفتك منذُ عاشرتني؛ ^(۱) از وقتی با من زیستی،

هیچ‌گاه با تو از در مخالفت در نیامده‌ام.

کسانی که با لغت و ادب عرب آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که سه مفهوم «خلاف»، «نقیض» و «ضد» با هم تفاوت دارند.

برای روشن شدن تفاوت این سه مفهوم، فرض کنید مردی به زنی پیشنهاد کند به مشهد سفر کنند ولی همسرش بگوید به جای رفتن به مشهد به سفر عمره برویم. در این مثال رفتن به

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

از بین رفتن حرمت‌ها ۲۵
مشهد و سفر عمره ضد همدیگرند. حال فرض کنیم در همین مثال، همسر شخص بگوید: نه، به مشهد نمی‌رویم. در این مثال «رفتن به مشهد» و «نرفتن به مشهد» نقیض همدیگرند.

اما اگر در برابر پیشنهاد سفر به مشهد، همسر شخص پیشنهاد کند که این سفر به وسیله قطار باشد، به این حالت تخالف گفته می‌شود.^(۱) همان‌طور که مشاهده می‌کنیم «مخالف» به مراتب شدت کمتری نسبت به ضد و نقیض دارد و حضرت زهرا به جای به‌کاربردن

۱. در اصطلاح منطقی گفته می‌شود: الضدان لا یجتمعان ویفترقان والنقیضان لا یجتمعان ولا یفترقان؛ دو مفهوم ضد (مانند سیاه و سفید) هیچ‌گاه در یک موضوع جمع نمی‌شوند ولی چه بسا هر دو در یک جا منتفی باشند. اما دو مفهوم نقیض، (مانند شب و روز) اجتماعشان در یک جا وهم ارتفاعشان از یک جا هر دو محال و ممتنع است. این در حالی است که دو مفهوم مخالف (مانند سیاه و ایستاده) اجتماع و ارتفاعشان در موضوع واحد ممکن است. (نگ: الفروق اللغویة) اصطلاحاً گفته می‌شود: المتخالفان یجتمع کل منهما مع الآخر وضده و نقیضه؛ هر یک از دو مفهوم متخالف می‌تواند با دیگری وضد یا نقیض دیگری در یک جا جمع شود.

۲۶ سفارش به بانوان
دو مفهوم ضد و نقیض، از ماده «خلاف» که شدت کمتری دارد استفاده نموده است تا نشان دهد که با تو مخالفت نکرده‌ام، چه رسد به این که ضد یا نقیض خواسته‌ات چیزی بگویم یا بخواهم.

خانم‌ها باید این درجه از سازگاری را هر چند مشکل است از حضرت زهرا بیاموزند. زیرا حضرت زهرا و شخصیت‌هایی چون حضرت زینب، حضرت معصومه، بی بی ثکتم (مادر گرامی امام رضا علیه السلام)، بی بی نرجس (مادر امام زمان علیه السلام) الگوی بانوانند و البته حضرت زهرا علیها السلام در این میان مهم‌ترین الگو می‌باشند.

مبادا کسی گمان کند زندگی حضرت زهرا علیها السلام آسان بوده است. در طی نه سالی که ایشان با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی کردند، بیشتر این مدت همسر گرامی ایشان در خانه نبودند و مشغول نبرد با کفار و یهود و نصارا بودند. از سوی دیگر چه بسا طی شبانه‌روز حتی خرمایی هم در خانه نداشتند تا خود و فرزندان‌شان با آن گرسنگی خود را بنشانند. چه بسا که حضرت امیرمؤمنان برای تهیه غذا دیناری قرض

از بین رفتن حرمت‌ها ۲۷
می‌گرفتند ولی در طی راه آن را به نیازمند می‌دادند و با دست خالی به خانه باز می‌گشتند... زندگی حضرت زهرا در چنین شرایطی، هرگز زندگی آسانی نبوده است.

چه خوب است خانم‌ها آن حضرت را در زندگی الگوی خود قرار دهند و سختی‌های این راه را به حساب ایشان بگذارند. خانمی که چنین تصمیمی بگیرد، به سعادت می‌رسد. سعادت، با داشتن ثروت، شهرت، مقام و اموری از این دست حاصل نمی‌شود. زنی که برای خدا از سختی‌های زندگی و درشتی‌های شوهر گذشت کند و آن را به حساب حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بگذارد هیچ وقت دچار ناامیدی و افسردگی نخواهد شد.

سفارش به آقایان

آقایان نیز باید تصمیم بگیرند خوش اخلاقی پیشه کنند و در این راه از اخلاق کریمانه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زاد و توشه بردارند. آن جناب همسران متعدد و گوناگونی داشتند که برخی از آنها بسیار خوشرفتار و مؤمن، و برخی بسیار بد اخلاق

۲۸..... سفارش به آقایان
وزشت خوی بودند و عمری آن حضرت را آزار می‌دادند و تهمت‌ها و سخنان یاوه‌ای به ایشان نسبت می‌دادند. اما هیچ‌گاه در تاریخ مشاهده نشده است که آن حضرت آنان را زده، یا از این بابت گله کرده باشند. هیچ‌کس از آقایان نمی‌تواند ادعا کند که همسرش به بدی همسران بدرفتار پیامبر است. پس شایسته است تصمیم بگیریم این خلق خوش نبوی را از آن حضرت بیاموزیم و در رفتار با همسر به کار بندیم.

البته خوش اخلاقی فقط به زن و شوهر اختصاص ندارد و انسان باید در برخورد با برادر، خواهر، پدر، مادر، بستگان و همسایگان نیز این مسأله را رعایت نماید. در ارتباط با دیگران باید جانب حلم و بردباری و انصاف را پاس بداریم و بدرفتاری دیگران را با بردباری و اخلاق حسنه پاسخ دهیم. فراموش نکنیم که هیچ‌یک از این تحمل‌کردن‌ها بی‌پاداش نمی‌ماند و خدای متعال حتی بابت مصائب و رنج‌هایی که بر ما وارد می‌شود، به ما پاداش می‌دهد و چه بسا به پاس یک بردباری ما در برابر اخلاق ناشایست دیگران، برخی از بلاهای مقدر را از ما دور نماید.

جوانان

روی دیگر سخن با جوانان است. نباید بگذاریم هیچ یک از جوانان در مسیر فساد تلف شود. البته هیچ‌کس بهتر از جوانان نمی‌تواند جوانان را به سمت راستی و نیکی سوق دهد. در تاریخ موارد فراوانی وجود دارد که برادری، برادر یا خواهر خود را از گمراهی و فساد نجات داده است. باید با حوصله و استدلال جوانان را از کج‌روی‌ها و انحرافات به سمت نور اهل بیت علیهم‌السلام هدایت نماییم. شایسته است جوانان نامه امام صادق علیه‌السلام را به شیعیان که در کتاب‌های تحف العقول، بحار الانوار و... آمده است با دقت و تأمل بخوانند و بدان عمل کنند و آن را چاپ کنند و در اختیار دیگران نیز قرار دهند. پدران و مادران باید با نیکی و خوش رفتاری با فرزندان‌شان رفتار کنند و با آنان دوست باشند، نه این‌که فقط به آنها امر و نهی کنند. باید سعی کنند از طریق قصه‌گویی، سخنان نرم و روش‌های دیگر آنان را به سمت مکارم اخلاق دعوت نمایند

و بدین‌نکته توجه داشته باشند که آنان سرد و گرم روزگار را نچشیده‌اند و خام و بی‌تجربه‌اند. ولی در عین حال فطرت پاک‌تری دارند و هرکمال و خیری را زودتر از دیگران می‌پذیرند. در روایت آمده است:

عليك بالاحداث فإنهم أسرع إلى كل خير؛^(۱) تو را به نوجوانان سفارش می‌کنم چراکه آنان در هرکار خیری شتابناک‌تر از دیگرانند.

ممکن است جوانی با یک جمله عوض شود و چه بسا جوان دیگری با صد جمله به راه صلاح در آید. آیا می‌توان به صرف این‌که صد جلسه گفتگو برای هدایت چنین جوانی لازم است از او دست بکشیم؟ مسلماً نه. برای هر دو جوان باید وقت صرف کرد؛ چراکه فرزند صالح از هر چیزی با ارزش‌تر است و تربیت فرزندان درست کار آسانی نیست و هرکاری سختی‌های خود را

۱. کافی، ج ۸، ص ۹۳.

از بین رفتن حرمت‌ها ۳۱
دارد. فرزند صالح، هم به درد دنیای والدینش می‌خورد، وهم برای عالم برزخ و قیامت آنان سودمند است.

علی بن مهزیار جوانی نصرانی و گمراه بود که بر اثر هدایت یافتن به فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام به این مقام رسید. وهب جوانی نصرانی بود که هدایت یافت و در شمار شهیدان کربلا قرار گرفت. امروزه میلیون‌ها نفر با افتخار بر او و دیگر یاران سیدالشهدا علیهم‌السلام درود می‌فرستند و می‌گویند:

بأبي أنتم وأمي؛^(۱) پدر و مادرم به فدایتان.

غرض این‌که جوان فطرت و طینت پاکی دارد، ولی تلاش و سازندگی لازم است تا جوان را به راه صلاح هدایت کنیم. روی زمین نرم نمی‌توان ساختمان صد طبقه بنیاد نهاد ولی زمین محکم این قابلیت را دارد. جوانی که دورتر است و تلاش بسیاری می‌طلبد تا به راه راست هدایت شود همانند

1. این تعبیر در زیارتنامه‌های گوناگون امام حسین و اصحاب ایشان آمده است؛ برای نمونه نک: بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۹؛ همان، ج ۹۸، ص ۲۰۰؛ الإقبال، ص ۳۳۵ (فصل فیما تذکره من لفظ الزيارة المختصه...) و...

..... ۳۲
آن زمین محکم ولی باارزش است؛ زیرا از میان همین جوان‌هاست که افرادی چون علی بن مهزیار، زهیر بن قین، وهب و زراره بیرون می‌آیند.

بی‌شک تلاش برای گسترش فرهنگ اهل بیت و اخلاق نبوی و نجات جوانان از سرایش کجی‌ها به سمت نیکی‌ها از مهم‌ترین مصادیق حرمت‌شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌است.

امید است به برکت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌است خدای متعال این توفیق را به ما بدهد که نسبت به رسول خدا قدر دان و حرمت‌شناس باشیم.

وصلی‌الله‌علی‌محمد‌وآله‌الطاهرین